صدای ایران
۴۸۷
ویژه دفاع مقدس
مردم ایران
در برابر آمریکا و رژیم صهیونی
روزنامه اینترنتی
KHAMENEI.IR
چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۵



این شماره تقدیم میشود به
شهید
آوینا برزگر
کودک ۲ ساله لامردی که بر اثر اصابت ترکش موشک‌های آمریکایی-صهیونی در جنگ تحمیلی سوم به شهادت رسید.

رسانه رهبر انقلاب
@Rahbarenghelab_

رژیم متزلزل صهیونی و غدّه‌ی سرطانی اسرائیل نیز به مراحل پایانی عمر منحوس خود نزدیک شده و به فضل الهی و مطابق با سخن قاطع و آینده‌نگر ده سال قبل رهبر عظیم‌الشأن شهید قدس الله نفسه الزکیّه، بیست و پنج سال بعد از آن تاریخ را نخواهد دید، ان شاء الله. ۱۴۰۵/۰۳/۲۵



و اینک بلوف شانزدهم...

نتانیاهو در میان معرکهٔ انتخاباتی از صدور دستورِ سرنگونی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید

سرمقاله

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی که این روزها درگیر رقابت‌های انتخاباتی است، از بیان هیچ رطب و یابسی و مهملی برای جذب و جلب رأی ساکنان سرزمین‌های اشغالی دریغ نمی‌کند. در تازه‌ترین اظهاراتش مدعی شده دستور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را هم صادر کرده است. گویی جنایت‌کار غرب آسیا حافظهٔ افکار عمومی و رسانه‌ها را به مانند مخاطبان خود در سرزمین‌های اشغالی فرض کرده است. جالب است که ترکیب نتانیاهو و ترامپ از بعد از جنگ ۱۲ روزه تا امروز بیش از ۱۵ مرتبه مدعی نابودی ایران یا توانایی‌های نظامی آن شده است. از این جهت، ۹۰ میلیون ایرانی و مقامات جمهوری اسلامی ایران به مهمل جدید او صرفاً به چشم یک عدد نگاه می‌کنند که قرار است بلوف ۱۵ قبلی را به ۱۶ برساند.

نکتهٔ قابل توجه دیگر آنکه سیاستمداران برای پیروزی در چنین بزنگاه‌هایی سعی می‌کنند روی بزرگ‌ترین مسائلی دست بگذارند که ذهن و روان و جبههٔ حامیان‌شان را درگیر کرده است. طرح این مسائل بزرگ از آن جهت صورت می‌گیرد که بتوانند با ایجاد شوک و هراس ناشی از آن مسائل، خودشان را مرد میدان این مسائل نشان دهند؛ مسائلی که به زعم آن‌ها مدیریت و مبارزه با آن‌ها کار هرکسی نیست. دقیقاً اینجاست که یک تناقض خود را نشان می‌دهد.

اگر بر مبنای ادعای ۱۵ گانهٔ قبلی ترامپ و نتانیاهو، ایران این چنین ضعیف و شکسته و نابوده شده، پس چطور هنوز ایران را در صدر لیست مسئله و بحرانی که با آن درگیر است قرار می‌دهد و سعی دارد با تبلیغ روی خطر ایران، خود را مرد میدان مبارزه با ایران معرفی کند؟ اگر ایران نابود و منهدم و ضعیف شده، پس چه باک از آن؟!

متوهم این روزهای غرب آسیا که مشغول خودارضایی سیاسی و انتخاباتی است، از یاد برده اگر سایهٔ ایالات متحده به عنوان کارفرمای اصلی این درگیری‌ها نباشد، موجود و هویت ابتری به نام اسرائیل نه‌تنها نمی‌تواند موفقیت‌های پیشین را تکرار کند، بلکه باید فصل‌های جدیدی رو به نابودی را برای خود بگشاید.

رژیمی که این روزها نخست‌وزیرش مشغول گدایی انتخاباتی با دامن زدن به هراس و ترس از ایران است، از یاد برده که برخلاف حملات ساده و تک خطی که اسرائیل به عراق، سوریه یا مصر داشت و موفق به خنثی کردن توان هسته‌ای یا موشکی این کشورها شد، حملات و زد و خوردها با ایران که اتفاقاً بخش قابل توجهی از آن با همکاری و مشارکت آمریکا و ناتو و اعراب انجام شده، باعث نابودی یا تضعیف ایران نشده است. ایران متفاوت از پرونده‌های پیشین رژیم صهیونیستی است.

موضوع قابل توجه دیگر در این حوزه آنکه بر حسب اعلام و اعتراف رسانه‌های غربی و به خصوص آمریکایی، زرادخانه و توان نظامی و دفاعی ایران در دو جنگ اخیر آسیب فاحش و غیرقابل جبرانی ندیده است. نه تنها آسیب ندیده، بلکه زنجیرهٔ تأمین و تولید تجهیزات دفاعی و نظامی و موشکی و پهپادی بعد از جنگ تحمیلی دوم هم همچنان مشغول فعالیت است و بخش قابل توجهی از خسارات و ضربات وارد شده در جنگ ۴۰ روزه را هم جبران کرده است. این‌ها موضوعاتی است که مورد اعتراف دیگران هم قرار گرفته است.

رویاهای انتخاباتی چنان هوش از سر نخست‌وزیر پرانده که گویا همهٔ این گزاره‌ها را از یاد برده و این چنین به پروپاگاندای تبلیغاتی روی آورده است. حالا و در بطن چنین تحلیل‌هایی، دقیق‌تر می‌توان به توهمات نتانیاهو فکر کرد و به آن بها داد. او دارد محتواهای خواب‌های پریشانش را به عنوان واقعیت جا می‌زند. بماند که جمهوری اسلامی ایران هم برای درگیری احتمالی آتی، تدارک جذابی برای ائتلاف آمریکایی-اسرائیلی دیده است.

دشمن‌شناسی

خواب آشفته‌ای که تعبیر نخواهد شد

در گیرودار پررنگ شدن تهدیدات اخیر دشمن باید بدانیم در ورای این اظهارات چه مسئله‌ای وجود دارد. هدف دشمن بازگرداندن ایران به وضعیت قبل انقلاب است، درواقع چالش اصلی ما با استکبار مسئله «سلطه» است.

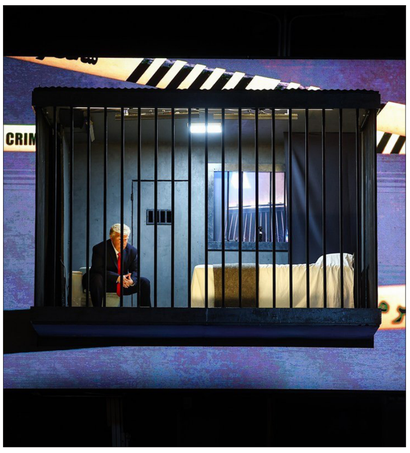
همه مسائلی از قبیل هسته‌ای و موشکی و غیره بهانه است. دنیای استکبار به دنبال تأمین منافع است، و کشوری مثل ایران با این همه ظرفیت انرژی و معادن و موقعیت جغرافیایی و دریایی، لقمه چربی برای آنها بوده که اکنون دیگر در اختیار آنها نیست. دشمن در این بین می‌خواهد ملت ایران از ادامه مقاومت خسته بشود، مسئولان به ستوه بیایند و او بتواند «سلطه جهتمی» خود را شروع کند.

ابزارهای او تحریم اقتصادی، استفاده از جنگ تبلیغاتی و مدیریت افکار عمومی بر علیه ایران، ایجاد آشوب‌های اجتماعی و اخیراً تمرکز بر جنگ نظامی است؛ ساده‌اندیشانه است که خیال کنیم اگر دست از پیشرفت هسته‌ای برداریم دشمنی تمام میشود، نخیر، هدف او سلطه بر کشور و استفاده از منافع آن است. رهبر شهید انقلاب این هدف دشمن را به درستی شناخته و مورد تأکید قرار می‌دادند: «آنها میخواهند جمهوری اسلامی نباشد، یک نظام دست نشانده‌ی مطیعِ منقادِ در مقابل آنها، مجدداً مثل دوران گذشته، در این کشور پا بگیرد. آنها دنبال این‌اند. این خواب آشفته‌ی باطل آنهاست.» ۱۳۸۸/۰۴/۱۵

قاب

ندیدن این صحنه جرم است

بیلبورد جدید میدان تجریش تهران با فضایی متفاوت و شبیه به یک سلول زندان رونمایی شد. بیلبوردی که در آن یک بازیگر زنده نقش «ترامپ» را ایفا می‌کند و با شعار «ندیدن این صحنه جرم است»، توجه عابران و رهگذران این میدان پرتردد را به خود جلب کرده است. بر اساس اعلام برگزارکنندگان، این بیلبورد قرار است به‌صورت شبانه‌روزی فعالیت کند.



#اعتراف جان مرشایمر، نظریه‌پرداز روابط بین‌الملل

ایران کنترل اوضاع را در دست دارد

آمریکا با این تصور وارد جنگ با ایران شد که برتری نظامی و فناوری پیشرفته می‌تواند معادلات را به سود واشنگتن تغییر دهد. اما در برابر اقتدار و قدرت ایران با شکست سختی مواجه شد. جان مرشایمر، نظریه‌پرداز برجسته روابط بین‌الملل، معتقد است ابتکار عمل در دست ایران قرار دارد. از نگاه او، پدافند هوایی اسرائیل و متحدان منطقه‌ای آمریکا نمی‌توانند توان موشکی و پهپادی تهران را خنثی کنند و واشنگتن با شرایط دشواری روبه‌روست. ایران در محاسبات امنیتی آمریکا و اسرائیل نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. اگر قرار بود فشار نظامی، ظرفیت پاسخ‌گویی تهران را از بین ببرد، ادامه نگرانی درباره موشک‌ها و پهپادهای ایران معنای متفاوتی پیدا می‌کرد. از سوی دیگر، هرچه حفاظت از پایگاه‌ها، نیروها و متحدان آمریکا دشوارتر شود، هزینه مدیریت تقابل نیز افزایش پیدا می‌کند. این وضعیت می‌تواند واشنگتن را با انتخاب‌های پیچیده‌تری روبه‌رو کند؛ از ادامه فشار نظامی تا تغییر محاسبات و حرکت به سمت راه‌حل سیاسی. اظهارات مرشایمر نشان می‌دهد که توان موشکی و پهپادی ایران همچنان یکی از متغیرهای مهم در محاسبات آمریکا و متحدانش است.

توان نظامی و اتحاد داخلی ایران اکنون تبدیل به یک عامل و شاخص تعیین‌کننده در هرگونه تجاوز جدید آمریکا علیه ایران شده است. زمانی که محاسبات اولیه جنگ براساس شناخت ناقص ملت ایران صورت گرفت، کاملاً طبیعی است که در میدان نبرد این محاسبات با شکست سخت مواجه شود.